

بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی معلمان نسبت به تربیت اخلاقی دانش آموزان

احمد بخشی پور^۱، سمیه رضایی^۲

^۲ دانشجوی ارشد رشته علوم تربیتی

نویسنده مسئول:

احمد بخشی پور

چکیده

پدیده ارتباط، نقشی مهم در زندگی اجتماعی انسان بازی می کند. مهارت های ارتباطی معلمان در پویایی تربیت اخلاقی دانش آموزان نقش بسزایی دارند. از این رو کاوش در حوزه علوم تربیتی در جهت کیفیت هر چه بهتر ارتباطات و تاثیر آن بر تربیت اخلاقی لازم و ضروری به نظر می آید. مهارت های ارتباطی به رفتارهایی اطلاق می شود که شخص می تواند از آن طریق با دیگران به نحوی ارتباط برقرار کند که به بروز پاسخهای مثبت و پرهیز از پاسخهای منفی منتهی شود. از سوی دیگر تربیت اخلاقی فرآیند درونی شدن ارزش ها ی اخلاقی و شکل گیری پایدار شخصیت انسان بر اساس ویژگی های انسان کامل اخلاقی را بر عهده دارد، به بیان دیگر اگر بخواهیم به هدف غایی تربیت اخلاقی اشاره کنیم: تربیت اخلاقی تحقق عینی مکارم اخلاق و تجلی بارز همه آموزه هایی است که دانش اخلاق بدان فرا می خواند است. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین مهارت های ارتباطی معلمان و تربیت اخلاقی دانش آموزان صورت گرفته است. لذا در این پژوهش با روش تحلیلی- توصیفی تلاش نموده ایم بر اساس چینیسی منطقی به تبیین رابطه مهارت های ارتباطی معلمان و تاثیر آن در تربیت اخلاقی دانش آموزان بپردازیم.

کلید واژه:

مهارت های ارتباطی، تربیت اخلاقی، معلمان، دانش آموزان

مقدمه

ارتباط نیاز ذاتی هر انسانی است، و عامل رشد و توسعه فرد است، و به نوعی عامل پیشرفت در تربیت اخلاقی دانش آموزان (که نسل جوان به شمار می آیند و آینده سازان جامعه اند) به حساب می آید. مهارت‌های ارتباطی معلمان محرک کیفیت تربیت اخلاقی دانش آموزان به حساب می آید، از این رو کاوش در حوزه علوم تربیتی در جهت کیفیت هر چه بهتر ارتباطات و تاثیر آن بر تربیت اخلاقی لازم و ضروری به نظر می رسد. اهمیت ارتباط در زندگی انسان به حدی است که برخی از صاحب نظران، اساس تمامی رشد انسانی، آسیب‌های فردی و پیشرفت‌های بشری را در فرایند ارتباط دانسته اند. بسیاری از صاحب نظران توانایی برقراری ارتباط صحیح را از مهمترین ویژگی‌های موفقیت می دانند از این رو ارتباطات یکی از مهم ترین ابزارهای جامعه ی مدرن و از مهمترین عوامل توسعه و تعالی انسانی است و توانایی ارتباطات صحیح یکی از مهارت‌های اساسی زندگی اجتماعی می باشد. لزوم برقراری ارتباط خوب به دلیل پیامدهایی مانند پائین آوردن استرس طرف مقابل و بهبود عملکرد روانشناختی، افزایش درک متقابل افراد، ایجاد زمینه های حمایتی گسترده تر است. در این پژوهش بر اساس چینی‌شنی منطقی، در وهله اول به مفهوم شناسی مسئله، آنگاه اهمیت مهارت های ارتباطی و سپس به کیفیت مهارت‌های ارتباطی معلمان و تربیت اخلاقی دانش آموزان، همچنین رابطه مهارت‌های ارتباطی معلمان نسبت به تربیت اخلاقی دانش آموزان و راهکارهای عملی برای کیفیت هر چه بهتر مسئله خواهیم پرداخت.

مفهوم شناسی

ارتباط: « فرایند انتقال پیام از فرستنده به گیرنده مشروط بر آنکه منتقل شود و بالعکس. (رستمی و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۸) انتقال اطلاعات از فرستنده به گیرنده، به گونه ای که برای هر دو قابل فهم و واضح باشد. در صورتی که یکی از این عناصر (فرستنده، گیرنده یا پیام) موجود نباشد، هیچ گونه ارتباطی صورت نمیگیرد (مرتضوی و مهربان، ۱۳۸۳، ۱۲۴، ۱۴۴) و هدفی برآورده نمی گردد، پیرسون و نلسون ارتباطات را فراگرد تفهیم و تفاهم و تسهیم معنی در نظر گرفته اند، اعم از اینکه این ارتباط به وسیله کلام، نوشتار، موسیقی، تصویر و یا هر وسیله دیگری انجام شود. پس مطابق آنچه بیان شد، می توان ارتباط را نوعی فرآیند نامید که طی آن واکنشی دو سویه میان افراد و گروهها در محیط های اجتماعی به وجود می آید. یکی از متخصصان ارتباط می گوید: آنچه در برقراری ارتباط اتفاق می افتد، همانند رفت و آمدهای خیابان دوطرفه است که در آن به طور مداوم واکنشهای مختلفی میان کسانی که در ارتباط با یکدیگر هستند، رخ میدهد (ارتباط دوسویه) (محمدی و پورقاز، ۱۳۹۰، ۱۵)

مهارت‌های ارتباطی: مهارت‌های ارتباطی از جمله مباحث علوم رفتاری است که از نظر تربیتی جایگاهی ویژه دارد و به رفتارهایی اطلاق می شود که شخص می تواند از آن طریق با دیگران به نحوی ارتباط برقرار کند که به بروز پاسخهای مثبت و پرهیز از پاسخهای منفی منتهی شود. (قبادیانی، ۱۳۸۸، ۱۸)

رفتار غیر عادی

در حقیقت غیر عادی بودن به معنی « جنون داشتن» نیست و معانی متنوع و پیچیده ای دارد، رفتار غیر عادی ممکن است ذهنی یا عینی و شدید یا خفیف باشد؛ به صورت اختلال در فعالیت های شناختی یا کنش های عاطفی ظاهر گردد؛ و یا ناهنجاری هایی در سیستم ادراکی، انگیزشی، حسی و حرکتی، کلامی و روابط بین فردی و اجتماعی را شامل شود، (دکتر سعید شاملو، ۱۳۸۸، ۵۷)

ملاک های ناهنجاری

برای تعریف کردن ناهنجاری چند ملاک قرار دادی، مانند: انحراف آماری، هنجارهای اجتماعی و اخلاقی، ناراحتی های شخصی، ناسازگاری های مرتبط با رفتار، وجود دارد (توماس چامور – پرموزیم، ترجمه: یحیی سید محمدی، ۱۳۹۱، ۱۰۸)

شخصیت و ویژگیهای شخصیتی:

شخصیت عبارت است از الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایشها و ویژگیهایی که تا اندازه‌ای به رفتار افراد دوام می‌بخشد. به طور اختصاصی تر، شخصیت، از صفات یا گرایشهایی تشکیل می‌شود که به تفاوت‌های فردی در رفتار، ثبات رفتار در طول زمان و تداوم رفتار در موقعیتهای گوناگون می‌انجامد. (فیست و فیست، ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۵، ۶) صفات شخصیتی به سبکهای هیجانی، ارتباطی، تبیینی، نگرشی، و انگیزشی فرد اطلاق میشود (دانش، شکرالله، ۱۳۹۰، ۱۳، ۱۴؛ دوان شولتز، ۱۳۸۴، ۱۰؛ شاملو، ۱۳۰۸، ۱۴؛ جعفر دارابی، ۱۳۸۴، ۱۴)

تربیت: غالباً تربیت را از ریشه (ربو) می‌گیرند و با تعلیم همراه می‌دانند. از این رو در تعریف آن گفته شده «ربو: هو الانفتاح مع الزیاده بمعنی ان ینفتح الشی فی ذاته ثم یتحصل له فضل و زیاده» یعنی رویش و متورم و شدن همراه با اضافی یا زیاد شدن و رشد کردن به این معنا که چیزی ذاتاً بزرگ و متورم می‌شود و نتیجه آن زیادت و تکثر است. مفهوم تربیت در اصطلاح؛ فراهم نمودن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادهای شخصی انسان در جهت رشد و تکامل اختیاری او به سوی هدفهای مطلوب و بر اساس برنامه منسجم است (ثابت، حافظ، ۱۳۹۶، ص ۴۲) مفهوم تربیت اوسع تر از آموزش است. باغبان هم درخت را تربیت می‌کند؛ یعنی مقدماتی را فراهم می‌کند تا این درخت به رشدی که می‌بایست برسد. تربیت برای رشد دادن همه استعدادهاست. (ثابت، حافظ، ۱۳۹۶، ص ۴۲) پس تربیت، رشد طبیعی و تدریجی و هماهنگ همه نیروها و استعدادها ی آدمی است، (عیسی، صدیق، ۱۳۴۰، ص ۱۹۴) شاتو تربیت را ارائه نوعی از زندگی می‌داند که با ساحت شخصیت انسان مطابقت داشته و بر ارزش‌های معنوی وی مبتنی باشد. (شاتو، ۱۳۸۸، ص ۲۸۵) بدین ترتیب مفهوم تربیت عام بوده و تمام مراحل حصول نشو و نما و زیادت در هر مرحله و به هر مقدار و به هر کیفیت مادی و معنوی را شامل می‌شود. (المصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، ص ۳۷، ۳۵)

اخلاق: واژه اخلاق از ریشه خلق است. (خَلَقَ) و (خُلِقَ) از یک ریشه‌اند اما در استعمال به شکل ظاهری انسان (نمود عینی) خَلَق و به شکل درونی آن (خُلِقَ) می‌گویند (حائری یزدی، بهار ۱۳۷۹، ص ۱۱). واژه اخلاق در لغت به معنای سرشت (در نهاد انسان است) و سجیه به کار می‌رود، اعم از سجایای نیکو و پسندیده یا سجایای زشت و ناپسند (عمید، ۱۳۸۹، ص ۸۴). اخلاق در اصطلاح، صفات و ویژگی‌های پایدار در نفس که موجب می‌شود کارهایی متناسب با آن صفات به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل، از انسان صادر شود. پس اخلاق از یک لحاظ به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱- اخلاق فضیلت که مبتنی بر کارهای پسندیده است.

۲- اخلاق رذیلت که مبتنی بر کارهای ناپسند است (حائری یزدی، بهار ۱۳۷۹، ص ۱۱ و ۱۲؛ غرویان، ۱۳۷۹، ص ۲۵، ۲۶، ۲۷). در واقع گزاره‌های اخلاقی به مجموعه‌ای از گزاره‌ها اطلاق می‌شود که در ناحیه محمول و موضوع خود خصیصه‌ای داشته باشند. یک گزاره اخلاقی به سبب خصیصه‌هایی که در ناحیه موضوع و محمول خود دارد، از گزاره‌های غیر اخلاقی متمایز می‌گردد. خصیصه گزاره‌های اخلاقی این است که در ناحیه محمول خود با یکی از این ده مفهوم باشد: خوب، بد، درست، نادرست، باید (اخلاقی)، نباید (اخلاقی)، وظیفه، مسئولیت، فضیلت و رذیلت (ملکیان، ۱۳۷۹، ص ۷؛ محمد اخوان، ۱۳۷۳، ص ۴۴)

تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی فرآیند درونی شدن ارزش‌های اخلاقی و شکل‌گیری پایدار شخصیت انسان، بر اساس ویژگی‌های انسان کامل اخلاقی را بر عهده دارد به بیان دیگر اگر بخواهیم به هدف غایی تربیت اخلاقی اشاره کنیم تربیت اخلاقی تحقق عینی مکارم اخلاق و تجلی بارز همه آموزه‌هایی است که دانش اخلاق بدان فرا می‌خواند. (عالم زاده، نوری، سال دوم شماره اول، ۱۳۸۹؛ دیلمی، احمد، ۱۳۸۰، ۱۷، ۱۸؛ موریس دبس، ترجمه علی محمد کاردان، ۱۳۷۴، ۱۰۲)

اهمیت مهارت های ارتباطی

نوع بشر علاوه بر نیازهای فیزیکی مانند غذا، هوا، سرپناه. واسطه های اساسی دیگری نیز دارد که همانا ایجاد ارتباط با انسانهای دیگر است. این میل به ارتباط، یکی از احتیاجات بشر اولیه بوده و در جوامع امروز، یکی از ضروریات تداوم بقاست. همچنین، ارتباط فرآیندی است که توسط آن اطلاعات از طریق علایم، نشانه ها و رفتار از شخصی به شخص دیگر منتقل می شود. به عبارت دیگر، ارتباط عبارت است از فرآیند انتقال و تبادل افکار، اندیشه ها، احساسات و عقاید دو فرد یا بیشتر با استفاده از علایم و نمادهای مناسب به منظور تأثیر، کنترل و هدایت یکدیگر. (رستمی و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۸) اهمیت ارتباط در زندگی انسان به حدی است که برخی از صاحب نظران، اساس تمامی رشد انسانی، آسیبهای فردی و پیشرفتهای بشری را در فرایند ارتباط دانسته اند (شیوس و اسحاقس ۲۰۰۲، ۱) بسیاری از صاحب نظران توانایی برقراری ارتباط صحیح را از مهمترین ویژگی های موفقیت می دانند (زمانی و همکاران، ۱۳۸۲) از این رو ارتباطات یکی از مهم ترین ابزارهای جامعه ی مدرن و از مهمترین عوامل توسعه و تعالی انسانی است و توانایی ارتباطات صحیح ، یکی از مهارتهای اساسی زندگی اجتماعی می باشد، لزوم برقراری ارتباط خوب به دلیل پیامدهایی مانند پائین آوردن استرس طرف مقابل و بهبود عملکرد روانشناختی، افزایش درک متقابل افراد، ایجاد زمینه های حمایتی گسترده تر است. یکی از مسائل و مشکلات عمده ای که افراد جامعه امروزی را تهدید می کند، عدم برقراری ارتباط صحیح و درک همدلانه است. اغلب مشکلاتی که در محیط های آموزشی، اجتماعی، کار، دانشگاه، خانه و سازمانها به وجود می آید، ناشی از ارتباط نامناسب است. از اینرو، ارتباطات و مهارتهای ارتباطی در سالهای اخیر به ویژه از سال (۱۹۵۰) در غرب مورد توجه علماء و دستاوردکاران رشته های مختلف علمی از روانشناسی، روانشناسی اجتماعی و جامعه شناسی گرفته تا دانشمندان مدیریت واقع شده است. (الوانی، ۱۳۸۸)

نقش محیط در تربیت دانش آموزان

عوامل محیطی سبب ایجاد صفات خاص در انسان می شود. در فرهنگی که نحوه تغذیه افراد خوب است، صفاتی مانند: وزن و قد به طور سالم به ارث می رود، اینچنین نسبیتی نیز برای مهارت های ارتباطی معلمان در تربیت اخلاقی دانش آموزان صادق است (دکتر سعید شاملو، ۱۳۸۸، ۵۷) برخی از واکنش های کودک در اختلال رفتار اجتماعی او مانند: دزدی، فرار از مدرسه، خشونت، انحراف و... نمایان می شود. ممکن است این رفتار نابهنجار در منزل، مدرسه و یا در جامعه صورت گیرد. این واکنش ها معمولاً حاصل از محرومیتی است که کودک در خانواده، یا مدرسه و یا محیط احساس می کند. طرد کردن کودک، خشم کردن با او و یا حتی افراط در محافظت و توجه به او، عواملی است که در تربیت اخلاقی کودک تاثیر دارد (دکتر سعید شاملو، ۱۳۸۸، ۳۲۱)

مدرسه یکی از عوامل اساسی تاثیر گذار در شکل گیری شخصیت انسان است. روانشناسان و صاحب نظران آموزشی- تربیتی، بعد از خانواده مهم ترین نقش را به مدرسه داده اند، صاحب نظران در تعلیم و تربیت همه بر این باور اند که: مدرسه به عنوان نهادی آموزشی و پرورشی، بنا به دلایل متعدد، نقش مهمی در شکل دادن به رفتارها و نگرش ها و اخلاق و به طور کلی در شکل گیری شخصیت دانش آموزان دارد. افزون بر این، در کشورهای غیر لائیک این نهاد نقش عمده ای در شکل گیری شخصیت دینی دانش آموزان ایفا می کند. (داوودی، محمد، ۱۳۸۵، ۱۰۳) مدرسه نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی دانش آموزان دارد و از عوامل اثر گذار و سازنده معیارها و ارزش های ذهنی و تفکر و اخلاقی و راه و روش کودکان و نوجوانان در جامعه به شمار می آید، زیرا دانش آموزان بیشتر اوقات پر نشاط و فعال خود را در مدرسه سپری می کنند. در صورتی که محیط مدرسه ناسالم باشد و اولیا مدرسه نتوانند به وظیفه تربیتی و سازنده خود عمل کنند. ممکن است محیط مدرسه به یکی از عوامل انحراف و بزهکاری تبدیل شود. به همین دلیل که خانواده و مدرسه نقش بسزایی در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان دارند، ارتباط این دو می تواند تاثیر مثبت و سازنده ای، در ذهن و شخصیت کودک و به تبع تربیت اخلاقی او بر جا بگذارد و از دانش آموزان، شخصیتی مقاوم و با ثبات بسازد. بی تفاوتی خانواده ها و ضعف و ناکار آمدی مدرسه نیز ممکن است شخصیت دانش آموزان را ضعیف و او را فردی منحرف، آلوده و مضر به حال جامعه بار آورد. (دانش، شکرالله، ۱۳۹۰، ۱۲۳)

روانشناسان سنین مدرسه را دوره دانایی، تامل به زندگی اجتماعی و انجام فعالیت ها، ظهور استعدادها و صیقل یافتن شخصیت می دانند، آنان معتقد اند زمان ورود به مدرسه که آغاز کسب تجارب تازه و متنوع اجتماعی است و اولین برخورد رسمی اجتماعی کودک در آن مکان (مدرسه) صورت می پذیرد، عامل موثری در شکل گیری شخصیت است. چنانچه کودک با نگرش مثبت از کانون خانواده به محیط مدرسه وارد شده باشد از نظر سازگاری اجتماعی و پذیرش ترم ها، معیار ها و مقررات جدید توفیق بیشتری می یابد و در نتیجه دومین خشت محکم بنای شخصیت فرد در این محیط گذاشته خواهد شد، محیط مدرسه می تواند، در اصلاح بد آموزی های اجتماعی در محیط خانواده و هدایت نو آموز در مسیر رشد مطلوب شخصیت بسیار مفید و موثر باشد. از آنجا که کودکان در سنین ابتدایی آمادگی بسیار بالایی برای پذیرش دارند و محیط مدرسه و معلم هم برای آنان جذبه خاصی دارد، نقش مدرسه عمیق، اساسی و پایه می باشد. مدرسه و معلم همیشه و در همه جای دنیا به مثابه پل انتقال ارزشها، وظیفه پاسردی از نظام ارزشی حاکم بر جامعه و انتقال آن به خانواده از طریق دانش آموزان را عهده دار بوده است. وحدت رویه تربیتی خانه و مدرسه و همراهی و همگامی هر چه بیشتر اولیا و معلمان در تشویق و ترغیب مستقیم و غیر مستقیم کودکان و نوجوانان به حفظ ارزش ها، اتصاف به صفات حسنه و رعایت احکام و حدود الهی، تضمین بهداشت روانی، تعادل شخصیت، پیشرفت تحصیلی و خلاقیت های ذهنی آنها کمک موثری خواهد داشت (دانش، شکرالله، ۱۳۹۰، ۱۲۳)

پس از خانواده محیط مدرسه نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی کودک و نوجوان بر عهده دارد و از عوامل مهم تربیتی و سازنده معیار ها و ارزش های ذهنی و تفکر و راه و روش کودکان و نوجوانان در جامعه به شمار می رود. هر قدر پایه های شخصیتی کودکان و نوجوانان با ریسمان محبت و همدلی خانه و مدرسه (معلم) محکم و استوار می شود، مقاومت ایشان در برابر محرک ها و آسیب های اجتماعی مثل: بزهکاری، استعمال دخانیات و مواد مخدر، گرایش به نوار ها و فیلم های مبتذل، خانه گریزی و خانه به دوشی، انحرافات اخلاقی، تمایلات خرابکارانه و ... مضاعف می شود. اهمیت نقش مدرسه و رفتار معلمان و مربیان و تاثیر پذیری کودکان از یکدیگر در مدرسه اگر از نقش خانواده و تاثیر آن بیشتر نباشد، قطعاً کمتر نیست زیرا دانش آموز در مدرسه از نظر جسمی و ذهنی توانایی بیشتری پیدا کرده و آمادگی جذب گفتار ها و رفتار ها و حوادث محیط خود را به مراتب بیشتر از دوران طفولیت و خانواده دارد به همین دلیل روان شناسان به حساسیت این امر توجه کرده و اولیا و مربیان را به همت بیشتری جهت ساختن شخصیت سالم و مطلوب کودکان و نوجوانان راهنمایی می نمایند، آنان معتقد اند: پیوند مستمر اولیا و مربیان و تشریک مساعی آنان در شناخت ویژگی ها و نیازهای زیستی، ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانان در سنین مختلف، تلاش در انتخاب بهترین و موثر ترین روش ها در تامین بهینه نیازها و اجتناب از هر گونه دوگانگی ارزش و تعارض بین نظام ارزشی خانه و اصول اخلاقی حاکم بر مدرسه، ضامن اصلی شخصیت کودکان و نوجوانان است (افروز، غلامعلی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۹)

نقش معلم در تربیت دانش آموزان

شخصیت معلم و مربی، برنامه های درسی، نحوه برخورد و تعامل عوامل آموزشگاه با یکدیگر و با دانش آموزان، در شکل دهی وضعیت روحی و روانی و ساختار شخصیت اخلاقی دانش آموزان نقش اساسی دارند. علاوه براین معلم در تغییر باورها و ایجاد باور و اعتقاد مذهبی در دانش آموزان خویش نیز تاثیر بسیار زیادی دارد. نقش معلم و مربی در شکل گیری شخصیت شاگردان غیر قابل انکار است. همه کسانی که شخصیت آنها رشد کرده و صاحب جایگاه مناسب علمی، دینی و اجتماعی شدند، شکوفایی و رشد شخصیتشان مرهون شخصیت و تلاش مربی یا مربیان لایقی است که فکر بلند و دست قابل آنها توانسته شاگرد خود را به خوبی تربیت کند. علامه شهید مطهری در رابطه با تاثیر مربی و استاد (حضرت امام) در شکل گیری شخصیت خود می گوید: درس اخلاقی که به وسیله شخصیت محبوب در هر پنج شنبه و جمعه گفته می شد و در حقیقت، درس معارف و سیر و سلوک بود، (نه اخلاق و مفهوم خشک علمی) مرا سر مست می کرد. بدون هیچ اغراق و مبالغه ای این درس آنچنان مرا آنچنان به وجد می آورد که تا دوشنبه و سه شنبه هفته بعد، خودم را شدیداً تحت تاثیر آن می یافتم. بخش مهمی از شخصیت من در آن درس و سپس در درس های دیگری که در طی دوازده سال از استاد الهی فراگرفتم، انعقاد یافت و همواره خود را مدیون او دانسته و می دانم (داوودی، محمد، ۱۳۸۵، ۱۲۱)

پس از پدر و مادر، شخصیت معلم برای کودک محبوب ترین و جذاب ترین شخصیت است. دانش آموزان بخصوص در دوره ابتدایی به شدت از معلم تاثیر پذیراند و از رفتار و حرکات او تقلید می کنند. اگر معلم خوش اخلاق و گرم باشد تا عمق روح دانش آموز نفوذ می کند و دانش آموز را در مقطع ابتدایی به خود وابسته می نماید. خاطرات دوران دانش آموزی و مدرسه همیشه در ذهن انسان وجود دارد و افراد بزرگ سال از آن دوره و معلمان خود به خوبی یاد می کنند. معلمانی که با دانش آموزان خود صمیمی هستند و به آنان محبت می کنند فضول ترین دانش آموزان به آنان به دیده احترام می نگرند و سعی در همانند سازی دارند. از طرفی مطالبی که معلم مطرح می کند و نصایح به نکات ارزنده ای بیان می کند در شکل گیری شخصیت دانش آموزان آثار ژرف و ماندگار خود را خواهد داشت. سر و وضع ظاهر، آراستگی، نظافت، آرایش، ژست و مدل لباس، نظم اداری و وقت شناسی، رعایت مقررات، اخلاق و رفتار، پایبندی به آداب و سنن، صفا و صمیمیت معلم همه و همه به شدت در روح شاگردان اثر گذار است و بخش هایی از شخصیت او را می سازد. (دانش، شکرالله، ۱۳۹۰، ۱۲۸)

کیفیت برقراری ارتباطات

ساده ترین مدل ارتباطات، وجود سه عنصر را برای برقراری ارتباط الزامی دانسته است. این سه عنصر: یعنی (فرستنده، پیام، گیرنده) در مدل های مختلف ارتباطات مد نظر قرار گرفته اند. ارتباط موقعی برقرار می شود که کسی (فرستنده) بخواهد مفاهیم ذهنی خود (پیام) را به دیگری (گیرنده) منتقل کند. ارتباط از فرستنده آغاز می شود. او بر اساس قصد و نیتی پیام خود را شکل می دهد. و به صورت پیام به سوی گیرنده ارسال می کند. پیام از طریق مجرا و پس از عبور از فضای ارتباطی به گیرنده می رسد. گیرنده درک و برداشتی از آن خواهد داشت و اندیشه و نگرش و احساساتی با دریافت پیام در وی ایجاد می شود. حال اگر برداشت گیرنده، با آنچه مورد نظر فرستنده بوده است یکی باشد، ارتباط درستی صورت گرفته است و چنانچه این برداشت، مغایر و متفاوت با مقصود فرستنده باشد مفهوم آن این است که عمل ارتباط به درستی شکل نگرفته است. دو روش اصلی در برقراری ارتباط وجود دارد: ارتباط کلامی و ارتباط غیر کلامی. ارتباطات کلامی شامل ارتباطات گفتاری و نوشتاری است. پژوهش ها نشان داده است که اکثر ما، عمده وقت خود را در ارتباطات گفتاری صرف می کنیم تا نوشتاری، و این حکایت از آن بی سواد آن جامعه است. ارتباط غیر کلامی با اینکه زبان متداول ترین وسیله برقراری ارتباط است، باید گفت که کلمات، تنها وسیله تبادل اطلاعات نیستند و در بسیاری از اوقات، ارتباطات به صورت غیر کلامی نیز برقرار می شود که اهمیت آن از ارتباطات کلامی کمتر نیست و حتی بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که ارتباطات غیر کلامی از نظر صحت بر ارتباطات کلامی ارجحیت دارد، زیرا ارتباطات غیر کلامی از مکنونات قلبی و درونی انسان سرچشمه گرفته و چندان قابل کنترل و تحریف نیست. برخی از ارتباطات غیر کلامی عبارت اند از: حالات و حرکات چهره، تماس چشمی، حالتها و حرکات اندامها، اشارات و حرکات دستها، وضعیت ظاهر، استفاده از اشیاء و... (هاشمی، ایرج، بی تا، ۱۱، ۱۰، ۹)

کیفیت مهارت های ارتباطی معلمان

معلمی که می خواهد در ساختن شخصیت سالم دانش آموز موثر باشد، باید مقبولیت داشته باشد و شاگردان به دیده احترام به او نگاه کنند و یا اینکه حداقل شخصیتی محبوب و دوست داشتنی داشته باشد. اگر معلم نتواند ارتباط صمیمی برقرار کند و از محبوبیت چندانی برخوردار نباشد، تاثیر او بر شاگردان کم و کمتر خواهد بود. از این رو روانشناسان درباره شرایط تاثیر گذاری و ایفای نقش معلمی می گویند: دانش آموزان معلمانی را الگوی خود قرار می دهند که مقبول و مورد اعتماد آنان باشند. مقبولیت حاصل دو ویژگی است: نخست توانایی عملی قابل قبول، دوم انطباق رفتار و گفتار آموزگار، به عبارت دیگر، نمونه ای قابل قبول از فرد مومن و باشد. بنابر این لازم است معلمان برای ایفای نقش خود این دو ویژگی را کسب کنند. محبوبیت معلمان و مربیان نقش قاطع ای در تاثیر گذاری آنان بر رفتار دانش آموزان دارد، نمونه های فراوانی در تاریخ وجود دارد که مربیان و اساتید موفق شدند، افرادی را که سقوط و انحطاط آنها قطعی به نظر می رسید نجات دهنده و با دست هدایتگر خود باعث شکوفایی شخصیت انسانی آنان گردند. معلم با برقراری ارتباط صمیمانه با شاگردان خود و اظهار محبت نسبت به آنان در دل و روح افراد تحت تربیت خود نفوذ کرده و شخصیت آنان را سامان می دهد و نقش معلم بسیار عمیق و سرنوشت ساز می باشد. (دانش، شکرالله، ۱۳۹۰، ۱۲۸) روانشناسان معتقد اند: معلمان بصیر و آگاه باصبوری،

حسن تدبیر و پرهیز از هرگونه عکس العمل تنبیهی، سعی کنند به تدریج اعتماد دانش آموزان را جلب سازند و باز خوردها و نگرش های آنان را در جهت مثبت تغییر دهند. برای کودکانی که با خاطرات ناگوار و تجارب نامطلوبی از رفتار بزرگ سالان در کلاس درس حضور پیدا کردند، رفتار خشونت آمیز معلمان و مدیران مدارس (به هر دلیلی که باشد) فوق العاده اثر سوء داشته، تمایلات اجتماعی ایشان را محدود می کند و مانع رشد شخصیت و منش مطلوب آنها می شود. (افروز، غلام علی، ۱۳۹۳، ۲۳۹)

از این رو به برخی از ویژگی های کیفی معلمان ذیلا اشاره شده .

معلم موفق باید: ۱- به آنچه می داند و به دیگران توصیه می کند، عمل نموده و الگوی عملی از اخلاق انسانی را به دانش آموزان تقدیم می نماید؛ چون عملکرد معلم زیر نظر دانش آموز قرار دارد که اگر خدای نخواستہ خلاف گفته اش مرتکب عملی گردد، دیگر ارزش معلم بودن را از دست داده و هرگز کسی به اندرزهایش گوش فرا نخواهد داد. ۲- وقار و سنگینی دارد، به بهانه انس گرفتن و جذب متعلمین از خود حرکاتی بروز نمی دهد که به وقارش صدمه برساند و سخنانی را به زبان نمی آورد که موجب شرمساری او گردد تا دانش آموزان احساس نکنند که معلم سبک و کم ارزش شده است و به تبع تا اثر سوء بر تربیت دانش آموزان بگذارد.

۳- تلاش می کند تا اعتماد به نفس شاگردان را افزایش دهد، چون تا دانش آموز اعتماد به نفس نداشته و به خودش ارزش قایل نگردد؛ هر گز در رشد و تعالی شخصیت اش گام های استواری بر نخواهد داشت. معلم نباید به بهانه کنترل صنف، اعتماد به نفس متعلمین را بشکند و او را در صنف تمسخر کرده و بازیچه هم صنفی هایش قرار دهد؛ زیرا این سرکوب کردن ها متعلم را خورده می کند و دیگر هیچ ارزشی به دانش و مکتب و معلم قایل نمی گردد ۴- بین تشویق و تنبیه توازن ایجاد می کند؛ چون می داند، تشویق و علاقه مند ساختن دانش آموز برای تعلیم و تربیت شایسته، اصل است و تنبیه آخرین علاج و به منزله عملیات جراحی می باشد. لذا معلم موفق نزد خودش معیارهای وضع می کند که چه کارها و فعالیت های سزاوار تشویق و ترغیب اند و چه اشتباهاتی قابل تنبیه و چه خطاهای موجب عفو و بخشش می باشند و با در نظر داشت این معیار ها با دانش آموز تعامل می کند تا بعد از برخورد، پشیمان نشده و از متعلم معذرت نخواهد. ۵- خوبی ها را آشکار نموده و بدی ها و عیب ها را می پوشاند تا خوبیها و فضایل رشد یافته و همه گانی شود و عیب ها و بدیها را پنهان می کند تا در نطفه خفه شده و هرگز به بیرون سرایت نکنند، تا محیط تعلیمی از لوث بدی ها پالایش یابد، این به معنی سهل انگاری نسبت به بدی ها نیست؛ بلکه برای این است که بدی ها را بدون افشاگری نابود سازد. ۶- تصویری صحیح از خود دارد که در چه موقعیت علمی قرار دارد و با تشویق و کف زدن های سمبولیک مغرور نشده و با شنیدن انتقاد ها احساس حقارت نمی کند. ۷- خود را کامل نمی داند و اشتباهاتش را توجیه نمی کند؛ چون می داند خداوند متعال کامل است. و اگر اشتباهش را تصحیح کند بهتر از آن است که با اشتباه خود چندین دانش آموز را به مشکل دچار نماید. ۸- شاگردان را به عنوان انسان قبول دارد و می داند که انسان طبیعتاً دچار گناه و خطا می شود بهترین خطاکاران توبه کننده گان اند؛ لذا هرگاه شاگرد مرتکب خطای گردید و پشیمان شده و معذرت خواهی کرد، می بخشد. ۹- خود را ارزیابی و محاسبه می کند که آیا درس را آن طوری که لازم است ارایه کرده و آیا تعاملش با دانش آموزان عاقلانه و خدا پسندانه بوده و یا با عصبانیت و پرخاشگری همه متعلمین را آزرده خاطر ساخته و فضای معنوی صنف را با محیط ناهنجاری مبدل ساخته است که این ارزیابی منجر به ایجاد تغییر در رفتارش می گردد. ۱۰- روحیه ی انتقاد پذیری دارد زیرا تا انتقاد سالمی نباشد، اصلاحات به وجود نمی آید و معلم بسیار نیازمند است، تا انتقاد های سالم متعلمین، معلمان و اعضای اداری و تدریسی مکتب را با سعه صدر بشنود و به فکر تغییر در کاستی هایش باشد. ۱۱- از صبر و تحمل پذیری بالای برخوردار می باشد؛ چون با انسان های متفاوتی مواجه است و شاید خیلی اشتباهاتی از طرف دانش آموزان صورت گیرد که بدون تحمل و شکیبایی نمی شود به درس و تعلیم ادامه داد. ۱۲- به تفاوت های فردی دانش آموزان معتقد است و با همه یکسان تعامل نمی کند به خصوص در قضیه تنبیه که بعضی دانش آموزان با یک نگاهی متوجه می شوند و برخی با سکوتی و بعضی با اطلاع اداره و... لذا باید معلم تمام دانش آموزان صنف را با تفاوت های شان بشناسد و از عواطف و اخلاقیات و وضعیت زندگی شان آگاه باشد تا به وسیله ی این شناخت به هردانش آموز طوری رفتار نماید که سزاوار شخصیت وی است. ۱۳- در تدریس خویش اخلاص داشته و فقط به منظور رضای الله متعال و رشد نظام آموزشی جامعه اش تلاش می کند. ۱۴- به خداوند توکل می کند و تمام تلاش خود را به منظور بهبود وضعیت آموزشی- تربیتی به کار برده و نتیجه را به خدا واگذار می کند. ۱۵- وقت

دانش آموزان را با مطالب بیهوده ضایع ننموده و با آمدگی قبلی و با مطالب جدید و جالب وارد صنف می گردد تا دانش آموزان همیشه منتظر فرا رسیدن ساعت درسی وی باشند. ۱۶- به وعده هایش وفا میکند و آنچه در صنف با دانش آموزان وعده نموده هرگز تخلف نمی کند؛ چون وعده خلافی از علایم منافق عملی به شمار می آید. ۱۷- از قضاوت نا عادلانه می پرهیزد؛ چون این گونه قضاوت ها منجر به بروز اختلافات، کینه و عداوت و عدم اعتماد می گردد. ۱۸- استعداد های نهفته در شخصیت دانش آموزان را شناسایی کرده و به سوی شکوفا شدن و بالندگی راهنمایی شان می نماید تا دانش آموزان از تمام استعداد های شان بهره بگیرند. ۱۹- مقررات خشک و افراطی را در صنف وضع نمی کند؛ بلکه مقررات مناسب به حالات و سنین شاگرد وضع کرده و به صورت جدی پیگیری می کند. ۲۰- در زندگی خود نظم دارد و به موقع وارد صنف شده و هیچگاه دانش آموزان در امور کاری اش بی نظمی را مشاهده نمی کنند. ۲۱- معلم موفق قاطع و جدی بوده و عاقلانه و جدی به قضایا برخورد می کند، و البته قاطعیت به معنی خشونت نیست؛ بلکه معلم موفق می داند در چه موقع جدی بوده و چه وقت از گذشت کار بگیرد. (رابرت دی. رمزی، ۱۳۹۱، ۹۷۸) در این صورت است که معلم به عنوان یک الگوی اثر گذار در تربیت دانش آموزان جلوه گر واقع می شود.

ارتباط بین معلم و دانش آموز

بیشتر متخصصان تعلیم و تربیت، ارتباط را نوعی رابطه دو طرفه می دانند، هر چند که رابطه یک طرفه نیز ممکن است وجود داشته باشد. ارتباط معلم - شاگرد هر دو ویژگی، کلامی و غیر کلامی، را دارد، معمولاً دوطرفه و گاه یک طرفه است. در این حالت ارتباط هم برای فرستنده و هم برای گیرنده آموزنده است زیرا بازخورد دریافت می کنند. (گینات، هایم؛ مترجم سیاوش سرتیپی، ۱۳۹۱، ۳۵) از این رو برخی از مهم ترین موانع ارتباطی از قرار ذیل است:

- ۱- نامناسب بودن زمان و مکان: زمانی که خواسته یا انتقاد خود را در حضور عده ای مطرح می کنید ممکن است از خواسته یا انتقاد شما برداشت متفاوت یا نادرستی شود.
- ۲- نامناسب بودن وسیله و شیوه برقراری ارتباط: هر کس برای ابراز نیت و نظرات خود وسایل و راههای مختلفی در اختیار دارد می تواند شفاهی یا کتبی و یا از طریق حرکات و علائم اظهار نظر کند. هر یک از وسایل ارتباطی دارای ویژگی های خاص خود است و فرستنده به تشخیص خود موثر ترین و مناسب ترین وسیله را انتخاب می کند. اما چنانچه این انتخاب به درستی انجام نشود، برقراری ارتباط دچار اختلال می گردد.
- ۳- عدم اعتبار فرستنده: تحت هر شرایطی که گیرنده پیام به هر علتی فرستنده را مقام و مرجع معتبری در زمینه محتوای پیام نداند، نمی توان انتظار داشت که گفتار و پیام، نافذ واقع شود.
- ۴- ضعف در مهارت های ارتباطی: استقرار ارتباط مناسب نیاز به این دارد که فرستنده با نکات و مهارتهایی که برقراری ارتباط را آسان می کند آشنایی داشته باشد، بی مقدمه شروع نکنیم، با نظم منطقی صحبت کنیم، آسمان ریسمان به هم نبافیم، در پایان به وضوح نتیجه صحبت و خواسته خود را بیان کنیم.
- ۵- تفاوت و فاصله در تخصص و مقام: هر چه اختلاف تخصص بین فرستنده و گیرنده بیشتر باشد امکان سوء تعبیرهای ارتباطی قویتر خواهد بود.
- ۶- کمی اطلاعات: بسیار اتفاق می افتد که فرستنده پیام، چون خود از محتوای آن مطلع است، ناخود آگاه چنان عمل می کند که گویا گیرنده نیز از مآوقع پیام آگاه است.
- ۷- زیادی اطلاعات: هر یک از ما ظرفیت ارتباط معینی داریم، چنان چه اطلاعات وارده بیش از میزانی باشد که قادر به هضم و مقابله با آن هستیم، حالت زیادی اطلاعات وارده به وجود می آید.
- ۸- محدودیت ادراک: درک افراد از وقایع و پدیده هایی که با آنها رو به رو هستیم یکسان نیست. درک هر کس با توجه به دنیایی که در آن عضویت داشته است و همچنین با توجه به نیاز های فردی او دارای محدودیت هایی است، بنابر این برای برقراری ارتباط موثر، فرستنده باید امکان برداشت های متفاوت از پیام را با توجه به تمایلات و نیازهای گیرنده و محدودیت ادراک او پیش بینی کرده و راه مناسب را انتخاب کند.

۹- درک متفاوت از زبان ارتباطی: بر خلاف آنچه ممکن است تصور شود، کلمات، عبارات و علائم واحد، دارای معانی دقیق و یکسانی نیستند، بلکه در مواردی نزد افراد مختلف، معانی فردی، اجتماعی، خانوادگی، تربیتی و ... را به خاطر می آورند، بنابر این دقت در این مهم لازم و ضروری است.

۱۰- تشابه بینی (تعمیم): تمایل ما عموماً بر این است که اشیاء انسانها و پدیده ها را بر اساس تشابهی که بین آنها می بینیم مرتبط کرده و دسته بندی کنیم و نظر واحدی را درموردشان تعمیم دهیم. این کار درک ما را درباره محیط خود محدود کرده و بر قراری ارتباط موثر را مشکل می سازد. (هاشمی، ایرج، بی تا، ۱۰، ۹۰)

کیفیت رفتارهای اخلاقی دانش آموزان

بسیاری از مدیران و معلمان از این شکایت دارند که به رغم، اندرزه های اخلاقی که در کتب درسی دانش آموزان گنجانیده شده است و سخنانی که در خلال برنامه های صبحگاهی یا سایر مراسم مدرسه برای آنان ایراد می شود و وجود اشعار و جملات زیبایی که با خط خوش بر دیوار مدرسه برای جلب توجه شاگردان و ... نوشته می شود، رفتارهایی مانند: تقلب، دروغگویی، بی اعتنائی به مقررات و خشونت و پرخاشگری در بسیاری از مدارس مشاهده می شود. در برخی از مدارس زنگ تفریح فرصتی برای درگیری های شخصی دانش آموزان است و اگر دخالت بزرگ سالان مدرسه نباشد، مسائل ارتباطی بچه ها می تواند به خشونت و آسیب رسانی به یکدیگر و به وسایل مدرسه منتهی شود چه بسا این مسائل به خارج از مدرسه نیز رسوخ کند و باعث اختلال در نظم عمومی شوند. (بازرگان، زهرا، بی تا، ۵۰۱)

روش های عملی معلمان برای تربیتی اخلاقی دانش آموزان

مربیان با آگاهی از اینکه مدرسه مهمترین محل پرورش دانش آموزان است، مایلند نقش مثبتی در شکل دادن به شخصیت کودکان و نوجوانان داشته باشند، اما روش های سنتی رفتار و برخورد آنان با دانش آموزان پاسخگوی این نیاز نیست. آنان معمولاً در مقابل مسائل انضباطی شاگردان سعی می کنند با نصیحت، تشویق، رفتار مناسب و یا نصیحت در مورد ارزشهای اخلاقی، شاگردان و یا صحبت در مورد ارزش های اخلاقی، شاگردان را متوجه عواقب رفتار خود کنند، اما با کم اثر بودن این رفتار، دلسرد و نا امید گشته، عاقبت ناچار می شوند اعمال قدرت کنند و با سرزنش، تنبیه، اخراج از کلاس و در نهایت اخراج از مدرسه به رفتار نامناسب دانش آموزان «بی انضباطی» خاتمه دهند. این نوع رفتار بر اساس مشاهدات پژوهشگر و تحقیقات اخذ شده است. اما در چند دهه اخیر در بسیاری از کشورها به خاطر افزایش مسائل اخلاقی و رواج خشونت و پرخاشگری در مدرسه که خود بازتابی از خشونت جامعه و کمبود های خانوادگی است، مساله بازگشت به تعلیم و تربیت اخلاقی دانش آموزان را مطرح شده است. مدارس این کشورها سابقاً پرورش اخلاقی دانش آموزان را از وظایف اصلی خانواده می دانستند، حال در مقابل بسیاری از ناتوانی اولیاء در تربیت صحیح فرزندان خود، هر یک بنا به شرایط و امکانات مدرسه و اولویت های جامعه محلی، برنامه های خاصی برای تقویت ارزش های مورد نظر مدرسه تدارک دیده اند. از باب نمونه، بعضی از مدارس با توجه به آثار منفی رقابت و سیاست هر کس برای خودش، کوشش می نمایند در خلال برنامه های رسمی و غیر رسمی، همکاری بین دانش آموزان و انجام کارهای گروهی را تشویق کنند و با توجه به نیاز های جامعه به همبستگی افراد، برنامه های مدرسه را در جهت تقویت حس مسئولیت فردی و اجتماعی در دانش آموزان تربیت می دهند. و نمونه هایی دیگر که مجال پرداختن به آنها نیست و به همین یک مورد بسنده می کنیم. (افروز، غلام علی، ۱۳۹۶، ۲۸۰؛ بازرگان، زهرا، بی تا، ۵۰۲)

زمینه های تربیت اخلاقی دانش آموزان

تحقق ارزشهای اخلاقی در مدرسه برای دانش آموزان در صورتی میسر است که معلمان و کارکنان مدرسه به این ارزش ها معتقد بوده، مهارتهای لازم را برای تبدیل آنها به هدف های رفتاری کسب کرده، و بتوانند به نحو احسن انتقال دهند. عواملی که در تقویت ارزش های اخلاقی دانش آموزان موثر واقع می گردد:

- ۱- آموزش مستقیم: ارزش های اخلاقی مانندمسئولیت پذیری، احترام به حقوق دیگران، همکاری، صداقت، شجاعت، و مهارتهای ارتباطی باید در مدرسه برنامه ریزی گردد و مانند سایر دروس به طور مستقیم در کلاس و مدرسه تدریس شود. این ارزش ها و رفتارهای منطبق با آن در انسان ذاتی و خود انگیزته نیست، بلکه در طی رشد کودک و در اثر ارتباط با بزرگسالان باید آموخته و درونی گردد. تحقیقاتی که در مورد رفتار اجتماعی کودک ۷ و ۸ ساله انجام شده است، بیانگر این واقعیت است که کودکان بسته به ساختار اجتماعی مدرسه ای که در آن درس می خوانند رفتار متفاوتی از خود نشان می دهند. به عبارتی همکاری و تشریک مساعی بین دانش آموزان در مدرسی که این نوع ارزشها در آنها تقویت می گرد، به مراتب بیشتر از دانش آموزان مدارس عادی است
- ۲- آموزش مفاهیم : بسیاری از کودکان در بدو ورود به مدرسه درک روشنی از ارزشهای اساسی ندارند. اینان حتی اگر بتوانند مفاهیم فوق را تعریف کنند، غالباً قادر نیستند آنها را به زندگی روزمره خود ارتباط دهند. لازمه پرورش اخلاق کودکان این است که آنان را در درک این نوع مفاهیم و چگونگی تطبیق دادن آنها با موقعیت های روزمره زندگی آشنا سازیم. به طور مثال در یکی از مدارس وقتی مفهوم شناخت را برای شاگردان توصیف می کردند، فهرستی نیز از رفتارهایی که می تواند نشان دهنده شجاعت در مدرسه باشد، در اختیار کودکان قرار می دادند. شاگردان یاد می گرفتند که مثلاً دانش آموز شجاع فردی است که وقتی سایرین کودکی را مسخره می کنند، تو با آن کودک مهربان باشی.
- ۳- به گار گیری زیان مثبت: گفتار و دستورهای مسئولان مدرسه و معلمان وقتی اثر بخش خواهد بود که در محیط آموزشی زبان مثبت به جای زبان منفی به کار گیرد. در فرصتهای مختلف درباره آنها صحبت شود. در مدرسه ابتدایی می توان کلماتی مانند: احترام، همکاری، دوستی، تفاهم، بخشش و عفو را به عنوان ارزش های مهم مدرسه، با حروف درشت در تابلوهای متعدد در سراسر یا نقاط دیگر نصب کرد.
- ۴- محتوا و فرایند: علاوه بر آموزش ارزشها، مدرسه باید شرایطی نیز برای کاربرد آنها فراهم آورد. به طور مثال وقتی به دانش آموزان می گوئیم که صداقت بهتر از دورویی و یا حضور به موقع بهتر از تاخیر است و مودب بودن بر گستاخی ترجیح دارد، باید این مفاهیم را در طی فرایندی چند مرحله ای به آنان تفهیم نمود. دانش آموزان باید بتوانند رفتار جدید را آزمایش و تمرین کنند، به آثار آن پی ببرند و آن را ارزیابی نمایند، تا متوجه شوند که انتخاب آنان تا چه حد آنها را به هدفی که در زمینه رشد اخلاقی در نظر گرفته شده است، نزدیک کرده است.
- ۵- تقویت بصری: کلمات و پیام هایی که بیانگر ارزشهای اخلاقی مورد نظر است باید در نقاط مختلف مدرسه در معرض توجه دائم دانش آموزان قرار گیرد و رد فرصتهای مختلف درباره آنها صحبت شود. در مدرسه ابتدایی می توان کلماتی مانند: احترام، همکاری، دوستی، تفاهم، بخشش و عفو را درشت در تابلو های متعدد در سراسر یا نقاط دیگر نصب کرد
- ۶- جو مدرسه: تعلیم و تربیت اخلاقی محدود به کلاس درس نیست، و این ارزش ها باید از مرز کلاس عبور کرده، به زمین بازی، سالن اجتماعات، نهار خوری ها، دفتر مدرسه و حتی اتوبوس مدرسه راه یابد و از آنجا به خانه و جامعه محلی گسترش پیدا کند. اگر در مدرسه روح انصاف، عدالت، اعتماد متقابل و صمیمیت بین مسئولان مدرسه و معلمان برقرار باشد، بچه ها عدالت، صمیمیت و احترام متقابل را یاد می گیرند. نوع دوستی و خدمت به دیگران را دانش آموزان از طریق خدمات حمایتی مدرسه و معلمان برای شاگردان و با مشاهده کمک های شاگردان بزرگتر می آموزند. نوع دوستی و تمایل به خدمت دیگران در مدرسه افرادی به وجود می آید که در محیط خانه و مدرسه آنان برای این رفتار ارزش قائل شده باشند.
- ۷- مواد و امکانات آموزشی ساده برای معلمان : آموزش ضمن خدمت و آماده سازی معلمان برای تدریس مفاهیم اخلاقی نباید طولانی، وقت گیر و پرخرج باشد. معلم ها اصولاً در مقابل برنامه هایی که وقت و انرژی زیادی از آنان می گیرند، مقاوم هستند. این برنامه ها و وسایلی که مورد استفاده قرار می گیرد باید ساده و عملی باشد تا معلمان آنان را به صورت باری اضافه بر برنامه روزمره خود تلقی ننمایند، بلکه آن را جزء لاینفکی از وظایف تدریس خود بدانند.
- ۸- انعطاف پذیری برنامه: برنامه آموزشی اخلاقی دانش آموزان نباید تحمیلی و جزئیات آن از پیش تعیین شده باشد. این نوع برنامه ها باید انعطاف پذیر باشد و در آن جایی برای آزادی عمل و خلاقیت معلم در نظر گرفته شود تا معلمان مدرسه بتوانند ضمن در نظر داشتن معیارهای مدرسه، برنامه را با شرایط خاص و سبک تدریس خود تطبیق دهند. مثلاً در آموزش مفهوم سعه صدر و تسامح، این مفهوم را می توان در دو کلاس، با روش های متفاوتی تدریس کرد. به طور مثال معلمی می تواند از

شاگردان خود بخواهد رفتارهای مختلفی را که نشان دهنده این ارزش ها است نام ببرد و تعریف کنند، در حالی که معلم دیگر ممکن است از هر شاگرد بخواهد رفتار خاصی را که نشان دهنده سعه صدر است در کلاس تمرین کند و آن را به سایرین نشان دهد.

۹- مشارکت دانش آموزان: همان گونه که برنامه ی تعلیم و تربیت اخلاقی باید آزادی عمل معلمان را در نظر داشته باشد، دانش آموزان هم باید بتوانند در فرایند تعیین اهداف مشارکت داشته، نسبت به آن احساس تعلق نمایند. به طور مثال دزر یکی از مدارس ابتدایی «هاوایی» هر یک از شاگردان کلاس پنجم با راهنمایی معلم تصمیم می گیرد برای خود هدف های اخلاقی خاصی را تعیین کند و سپس کوشش نماید تا در طی سال تحصیلی به آنها دست یابد. برخی از هدف های شخصی به قرار ذیل است: باید همه تکالیف را انجام دهم... باید با دیگران مودب تر باشم و ... بدین ترتیب هر یک از دانش آموزان نام خود و هدفی را که باید به آن برسد، روی ورقه ای مه به شکل جای پا بریده شده می نویسد. این ورقه ها روی دیوار کلاس در تابلویی تحت عنوان «قدم های موفقیت» نصب می گردد. از آنجا که دانش آموزان هدف و راه رسیدن به آن را انتخاب کرده اند، احساس تعلق به آن نموده، کوشش بیشتری برای دسا یابی به اهداف می نمایند.

۱۰- مشارکت اولیاء: برنامه تعلیم و تربیت اخلاقی دانش آموزان در صورتی پایدار و موثر است که اولیاء با مسئولان و معلمان مدرسه جلساتی مستمر داشته باشند و از آنچه در مدرسه تدریس و تشویق می گردد، آگاه شده، در اجرای برنامه ها نقش داشته باشند.

۱۱- ارزش یابی: برنامه ی آموزش اخلاقی باید ارزشیابی مقدماتی هدفها، تشکیل جلسات و شوراهای متناوب در طول برنامه و ارزشیابی نهایی نتایج باشد(بازگانی، زهرا، ۹۴)

نتیجه گیری

(۱) عوامل محیطی سبب ایجاد صفات خاص در انسان می شود، صاحب نظران در تعلیم و تربیت همه بر این باور اند که: مدرسه به عنوان نهادی آموزشی و پرورشی، بنا به دلائل متعدد، نقش مهمی در شکل دادن به رفتارها و نگرش ها و اخلاق و به طور کلی در شکل گیری شخصیت دانش آموزان دارد.

(۲) نقش معلم و مربی در شکل گیری شخصیت شاگردان غیر قابل انکار است. همه کسانی که شخصیت آنها رشد کرده و صاحب جایگاه مناسب علمی، دینی و اجتماعی شدند، شکوفایی و رشد شخصیتشان مرهون شخصیت و تلاش مربی یا مربیان لایقی است که فکر بلند و دست قابل آنها توانسته شاگرد خود را به خوبی تربیت کند. معلم با شخصیت، رفتار، اندیشه و هر گونه برخورد و حتی نوع پوشش و ژست های خود بر روح و روان شاگردان تاثیر گذاشته و شخصیت آنها را شکل می دهد.

(۳) عملکرد معلم زیر نظر دانش آموز قرار دارد، معلمی شغل و حرفه نیست، ذوق و هنر است، معلمی که می خواهد در ساختن شخصیت سالم دانش آموز موثر باشد، باید مقبولیت داشته باشد، از عوامل مقبولیت معلمان: تخصص و وثاقت می باشد، و از عوامل محبوبیت معلمان: دین داری، گشاده رویی، خوش رویی، خلق نیکو، تواضع و احترام به دانش آموزان، زهد و بی رغبتی به دنیا، آراستگی و زیبایی ظاهری و ... که شالوده مقبولیت به حساب می آیند.

(۴) متخصصان تعلیم و تربیت، ارتباط را نوعی رابطه دو طرفه می دانند، هر چند که رابطه یک طرفه نیز ممکن است وجود داشته باشد. ارتباط معلم - شاگرد هر دو ویژگی را دارد. هم کلامی و هم غیر کلامی، معمولاً دوطرفه و گاه یک طرفه است، در این حالت ارتباط هم برای فرستنده و هم برای گیرنده آموزنده است زیرا بازخورد دریافت می کنند .

(۵) بسیاری از مدیران و معلمان از این شکایت دارند که به رغم، اندرزه های اخلاقی که در کتب درسی دانش آموزان گنجانیده شده است و در خلال برنامه های صبحگاهی یا سایر مراسم مدرسه برای آنان ایراد می شود و وجود اشعار و جملات زیبایی که با خط خوش بر دیوار مدرسه برای جلب توجه شاگردان و... نوشته می شود، رفتارهایی مانند: تقلب، دروغگویی، بی اعتنائی به مقررات و خشونت و پرخاشگری در بسیاری از مدارس مشاهده می شود.

(۶) مربیان با آگاهی از اینکه مدرسه مهمترین محل پرورش دانش آموزان است، مایلند نقش مثبتی در شکل دادن به شخصیت کودکان و نوجوانان داشته باشند، اما روش های سنتی رفتار و برخورد آنان با دانش آموزان پاسخگوی این نیاز نیست. اما در چند دهه اخیر در بسیاری از کشورها به خاطر افزایش مسائل اخلاقی و رواج خشونت و پرخاشگری در مدرسه که خود بازتابی از خشونت جامعه و کمبود های خانوادگی است، مساله بازگشت به تعلیم و تربیت اخلاقی دانش آموزان را مطرح شده است. مدارس این کشورها سابقاً پرورش اخلاقی دانش آموزان را از وظایف اصلی خانواده می دانستند، حال در مقابل بسیاری از ناتوانی اولیاء در تربیت صحیح فرزندان خود، هر یک بنا به شرایط و امکانات مدرسه و اولویت های جامعه محلی، برنامه های خاصی برای تقویت ارزش های مورد نظر مدرسه تدارک دیده اند.

(۷) تحقق ارزشهای اخلاقی در مدرسه برای دانش آموزان در صورتی میسر است که معلمان و کارکنان مدرسه به این ارزش ها معتقد بوده، مهارتهای لازم را برای تبدیل آنها به هدف های رفتاری کسب کرده، و بتوانند به نحو احسن انتقال دهند.

منابع

- ۱- اخوان، محمد، مقایسه اخلاق کانت و اخلاق اسلامی، انتشارات اشراق، ۱۳۷۳ش
- ۲- افروز، غلامعلی، روانشناسی تربیتی کاربردی، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۹۳ش
- ۳- الوانی، مدیریت عمومی، چاپ سی و ششم، تهران، نی، ۱۳۸۸ش
- ۴- بازرگان، زهرا، میانجی گری در مدرسه: روشهای بهبود رفتار دانش آموزان، تهران؛ مدرسه، ۱۳۷۹ش
- ۴- توماس چامورو- پرموزیک، ترجمه: یحیی سید محمدی، تفاوت های فردی، نشر روان، ۱۳۹۱ش
- ۵- ثابت، حافظ، تربیت جنسی در اسلام، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱ش
- ۶- حائری یزدی، محمد حسن ، آشنایی با اخلاق اسلامی ، دانشگاه فردوسی مشهد ، بهار ۱۳۷۹ش
- ۷- دانش، شکرالله، تربیت فرزند، تهران؛ هورمزد، ۱۳۹۰ش
- ۸- دوان شولتز، مترجمان؛ یوسف کریمی، فرهاد جهرمی، سیامک نقشبندی، بهزاد گودرزی، هادی بحیرایی، نیکخو، نظریه های شخصیت، نشر ارسباران، ۱۳۸۴ش
- ۹- دارابی جعفر، نظریه ها ی روانشناسی شخصیت رویکرد مقایسه ای، آییژ، ۱۳۸۴ش
- ۱۰- دیلمی، احمد، اخلاق اسلامی، قم؛ دفتر نشر معارف چ دوم، ۱۳۸۰ش
- ۱۱- داوودی، محمد، نقش معلم در تربیت دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ش
- ۱۲- رستمی، گلچین، میرزائی، ۱۳۹۱، مهارتهای ارتباطی پرستاران از دیدگاه بیمارستان بستری، دو ماهنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره دهم، شماره اول، پی در پی
- ۱۳- رابرت دی، رمزی، ترجمه: مرتضی مجد فر، وحید رضا نعیمی، ۵۰۱ نکته برای معلمان، ناشر قدیانی، ۱۳۹۱ش
- ۱۴- زمانی، شمس، فرج زادگان، زوطبائیان، ۱۳۸۲، اعضای هیات علمی بالینی در باره آموزش مهارتهای ارتباطی به دانشجویان چگونه فکر می کنند؟، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، سال سوم، شماره ۹
- ۱۵- شاملو، سعید ، مکتب ها و نظریه ها در روانشناسی شخصیت، تهران: رشد، ۱۳۸۸ش
- ۱۶- شاملو، سعید، آسیب شناسی روانی، مرکز نشر و پخش کتابهای روان شناسی و تربیتی، ۱۳۰۸ش
- ۱- شاملو، سعید، ، بهداشت روانی، (چاپ ۱۳)، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۸ش
- ۱۸- صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ اروپا، شرکت سهامی طبع ، ۱۳۴۰ش
- ۱۹- عمید - حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات راه رشد ، ۱۳۸۹ش
- ۲۰- غرویان - محسن، فلسفه اخلاق، پیک جلال- مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۹ش

۲۱- فیست و فیست، نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، نشر روان، ۱۳۹۵ش

۲۲- قبادی، مهارت‌های ارتباطی، ۱۳۸۹ ش

۲۳- گینات، هایم؛ سیاوش سرتیپی، روابط معلم و دانش آموز، تهران، ۱۳۹۱ش

۲۳-مرتضوی، مهربان، ۱۳۸۳، بررسی رابطه بین مهارت‌های ارتباطی مدیران و تعهد سازمانی مدثیران، مجله علوم انسانی و علوم اجتماعی

۲۴-محمدی و پورقاز، ۱۳۹۰، بررسی رابطه منابع قدرت مدیران با ویژگی های شخصیتی کارآفرینی کارکنان، پژوهش های مدیریت عمومی، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۳۰، ۱۱۱

۲۵- ملکیان، مصطفی، اخلاق باور، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چ اول ۱۳۷۹ ش

۲۶-موریس دبس، ترجمه کاردان، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ش

۲۷- (اینترنت، سایت راه زندگی)doctormortezaee.blogfa.com

۲۸- هاشمی، ایرج، مهارت های ارتباطی میان فردی، بی تا